

مطبوعات و نشر در دوره تحولات اندونزی

آلیور من^۱

ترجمه عبدالحسین آذرنگ

بیاورند. ماجرا فقط این بود که برای گزارش و تحلیل کردن، خبر خیلی زیاد بود. با این همه، به‌رغم پیش‌بینی‌های بدبینانه، از ماه مه ۱۹۹۸ (اردیبهشت ۱۳۷۷) تا مارس ۱۹۹۹ (فروردین ۱۳۷۸)، ظرف ۱۰ ماه، وزارت اطلاعات اندونزی جواز ۷۴۰ نشریه را صادر کرد و ۴۰ درصد، یا تقریباً ۳۰۰ نشریه، بنا به گزارش‌ها، در دهه‌های مطبوعاتی به تدریج دیده شدند. زمانی که سوهارتو استعفا کرد، فقط ۲۸۹ نشریه جواز انتشار داشتند. آنچه در اندونزی شاهدش بودیم، افزایش عظیم در شمار نشریات، و آزادی بدون نظارت و محدودیت در محتوای آن‌ها بود. این افزایش دو برابر، هم در جاکارتا بود و هم در استان‌های اندونزی. انتشارات که عمدتاً در جاکارتا و جزیره جاوه متمرکز شده بود، تغییر چشمگیری کرد.

در ۵ ژوئن ۱۹۹۸ (۱۶ خرداد ۱۳۸۷) که یونس یوسفیه، وزیر اطلاعات اندونزی، مقررات بحث‌انگیز ۱۴ سال پیش مطبوعات را برداشت، مقرراتی که به وزیر اجازه می‌داد جواز ناشران را لغو کند، این نقطه عطف تعیین‌کننده، گذاشته و افزایش انتشار مطبوعات آغاز شد. قدرت حکومت در زمینه لغو جوازها عموماً به عنوان مانع عمده آزادی مطبوعات اندونزی شناخته می‌شد. اگرچه سانسور رسمی در کار نبود، ناشران مطبوعات غالباً مجبور بودند خبرها را علنی نکنند یا تغییر دهند و برای پرهیز از سانسور، به خودسانسوری دست بزنند.

یوسفیه پس از انتصاب به وزارت اطلاعات از سوی حبیبی، رئیس‌جمهور اندونزی، حرمت آزادی مطبوعات را نگاه داشت که از دیدگاه او برای مردم‌سالاری تعیین‌کننده بود و برای پایان دادن به فساد، بند و بست، و پارتی‌بازی^۴ که ویژگی‌های بارز رژیم سوهارتو شمرده شد، لازم بود. یوسفیه با کاستن از محدودیت‌ها و آسان کردن روال گرفتن جواز برای مطبوعات، حذف کردن همه هزینه‌های اخذ جواز، رفع محدودیت از پخش خبرها، کاستن از نظارت‌ها بر ایستگاه‌های تلویزیون خصوصی، و ابراز این اطمینان که شبکه تلویزیون دولتی، مستقل‌تر خواهد شد و با مداخله حکومت کمتر روبه‌رو خواهد بود، قول خودش را تضمین کرد. او معتقد بود که آزادی مطبوعات برای پرورش مردم‌سالاری در اندونزی ضروری است، و این که کیفیت مطبوعات ملی با افزایش رقابت پیشرفت خواهد کرد. ده ماه پس از این تغییرهای عمیق، وزارت اطلاعات اندونزی

۱. روزنامه و مجله

در پی استعفای سوهارتو، رئیس‌جمهور، در ماه مه ۱۹۹۸ (اردیبهشت ۱۳۷۷)، درست در همان روزها و با توجه به جاری بودن مقررات رسمی و محدودیت‌های نانوشته‌ای که خاص ۳۲ سال «نظم‌نو» سوهارتو بود، احساس بی‌اطمینانی گسترده‌ای در اندونزی وجود داشت.

در واقع ۶ هفته آخر حکومت سوهارتو بیشتر آماج انتقاد مطبوعات به گونه‌ای بی‌سابقه بود که برخاستن موج ناخشنودی عمومی به آن جسارت داد. پس از استعفا، و در مرحله انتقال، مطبوعات در تفسیر خود بر آن چیزی تأکید ورزیدند که می‌توانستند از شرش خلاص شوند و به این راه مبارزه ادامه دادند. سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸ ش) را دومین دوره آزادی واقعی مطبوعات پس از ۱۹۴۵ (۱۳۲۴ ش) دانسته‌اند که اندونزی در این سال اعلام استقلال کرد.

مطبوعات از حکومت، رئیس‌جمهور و وزیران او، به شیوه‌ای بی‌باکانه و آشکارا انتقاد کردند، حال آن‌که یک سال پیش از آن، این کار می‌توانست با پاسخ رسمی جدی روبه‌رو شود. بیشتر داشت وضعی به وجود می‌آمد که در آغاز بیمناک بودند «بهار پراگ» اندونزی باشد، اما با این حال، آن وضع دوام یافت و شکوفا شد.

در ابتدای آخرین ژوئن، دو هفته‌نامه خبری، از معروف‌ترین نشریات اندونزی، به نام‌های تمپو^۲ و د تیک^۳، که در ۱۹۹۴ (۱۳۷۳ ش) ممنوع شده بودند، از فضای آزادی رایج استفاده و اعلام کردند به رغم این واقعیت که هنوز رسماً ممنوع هستند، در نظر دارند انتشار خود را از سر بگیرند. هر دو منتشر شدند و دوام آوردند، با این‌که می‌دانستند بحران اقتصادی در اندونزی فعالیت‌هایشان را محدود خواهد کرد، زیرا بحران اقتصادی در این کشور بر تولید روزنامه، مجله و کتاب اثر گذاشته بود. پیش از تغییرات، غالباً به ما می‌گفتند که دو سوم از ۲۸۶ روزنامه و مجله کشور در آستانه ورشکستگی قرار دارند، قربانیان گرانی کاغذ، سقوط ارزش روپیه اندونزی، تبلیغات ناچیز و افت شمارگان.

در حقیقت نشریه‌های زیادی تعطیل نشدند و سیل عنوان‌های تازه روانه بازار شد. بسیاری از آن‌ها هفته‌نامه‌های مسائل احساسی روز بودند که نمی‌توانستند بیش از چندگاهی در بازار سخت دوام

ذهنیت خود را درباره این موضوع هنوز تغییر نداده بود. برخی قانون‌گذاران انتقاد می‌کردند که مطبوعات خیلی آزاد شده‌اند و در گزارش‌هایشان بیش از حد آزادی دارند. اما وزیر بر این نظر بود که مطبوعات از مرزهایشان تجاوز نکرده‌اند و این که او «روزنامه‌های بدون حکومت را بر حکومت بدون روزنامه ترجیح می‌دهد».

با برداشته شدن محدودیت‌ها، در همه آزادی‌های نوپیدا چرخشی اساسی روی داد و شماری از ناشران مطبوعات دریافتند که ناگزیرند هویت خود را بازتعریف کنند. هفته‌نامه خبری دی اند آر^۵ بهترین مثال در این زمینه است. این هفته‌نامه یکی از نشریه‌های انگشت‌شماری بود که جرئت کرد گاه از سوهارتو انتقاد کند و به مرزهای تحمل رسمی فشار بیاورد. اما پس از تغییر، ساز تنهای آن فقط یکی از سازهای گُر بود. مقاله‌هایی که معمولاً درباره فساد و سوءاستفاده از قدرت انتشار می‌داد، بعد در همه نشریه‌ها باب شد.

۲. کتاب

نگرش آزادی‌خواهانه به مطبوعات، خود را در دنیای نشر کتاب نیز نشان داد، هرچند که البته کتاب با بحران اقتصادی روبه‌رو بود، و به معنایی این بحران حتی شدیدتر بود، زیرا قیمت کتاب گران‌تر است. هزینه‌های تولید کتاب افزایش یافته است، حال آن‌که قدرت خرید مردم سقوط کرده است.

روند غالب توجهی که دیده شد، انتشار جریان آرام تک‌نگاشت‌های کم‌حجم، معروف به «بوکو سیات»^۶ (= کتاب‌های سریع) بود، که بیشتر آن‌ها انتقاد از رژیم پیشین یا کنونی بود. کتاب‌هایی با این ویژگی و درباره اصلاحات، خوب فروش کرد؛ به ویژه زمانی که توانستند این کتاب‌ها را در کتابفروشی‌ها علناً بفروشند. روند انتشار کتاب‌های کم‌حجم چند علت دارد:

- قیمت بالای تولید کتاب‌های اساسی‌تر در اوضاع و احوال دشوار اقتصادی (برای مثال، قیمت کاغذ برای چاپ کتاب در یک سال به سه برابر افزایش یافت).
- احتمال فروش انتشارات ارزان‌تر به تعداد بیشتر.
- غلیان شور و احساس انتشار در دوره آزادی بیان، پس از سه ده نظارت.

اما ناشران هنوز با این چالش روبه‌رو بودند که در اوضاع و احوال دشواری دوام بیاورند که اندونزی در آن زمان با آن روبه‌رو بود. اتحادیه ناشران اندونزی ۶۰۰ عضو داشت و فقط ۱۰ درصد آن‌ها کتاب‌های تازه منتشر می‌کردند. تقریباً ۲۰ درصد اعضا فعالیت‌ها را به حالت تعلیق در آوردند، و بسیاری دیگر فقط عنوان‌هایی را چاپ می‌کردند که فروش آن‌ها در گذشته موفق بود. نشر میزان، ناشری بود که در گذشته بیشتر بر انتشارات اسلامی تأکید داشت. پس از تغییرات، دامنه کارش را گسترش داد و در زمینه اصلاحات بسیار موفق بود. سمینارهایی در این زمینه بر پا کرد و مقاله‌ها و گزارش‌های سمینارها را انتشار داد. میزان یکی از چندین ناشری بود که بر آزادی بیان و

محبوبیت مضمون اصلاحات تأکید ورزید.

۳. چالش‌ها در فراهم‌آوری منابع

عجیب آن است که تحکیم این دوره‌های جدید توسعه، برنامه فراهم‌آوردن منابع اندونزیایی را در کتابخانه ملی استرالیا با چالش روبه‌رو کرد. تأثیر بحران اقتصادی بر صنعت نشر به این معناست که انتشار کتاب دشوارتر شده است و آن دسته از عنوان‌هایی که موفقیت حتمی دارند، با شمارگان بسیار کمتری منتشر می‌شوند. در نتیجه، به رغم آزادی بیشتر، فراهم‌آوری آثار اندونزیایی، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، پرچالش‌تر شد. و این چالش‌ها به این دلایل است:

۱. ساختار صنعت نشر اندونزی، یا بهتر است بگوییم فقدان ساختار آن. کتابخانه ملی استرالیا برای تأمین جریان مداوم انتشارات با کیفیت اندونزی، نیاز دارد در این کشور نمایندگی داشته باشد تا در واقع منابع را شناسایی، ردیابی و فراهم‌آوری آن‌ها را هماهنگ کند.
۲. کتاب‌شناسی ملی اندونزی وقتی منتشر می‌شود، قدیمی است و بنابراین، در واقع به فراهم‌آوری منابع کمکی نمی‌کند. به سبب کمی شمارگان آثار، به ویژه پس از تغییرات، دست یافتن به منبعی که بیش از ۶ ماه از انتشار آن گذشته باشد، بسیار دشوار است.
۳. انتشارات تازه اگر اصولاً اعلان و تبلیغ شود، به صورت پراکنده است و مطمئناً انتشارات دولتی اعلان و تبلیغ نمی‌شود.
۴. دست‌یافتن به روزنامه‌ها، مجله‌ها و کتاب‌هایی که در استان‌های اندونزی منتشر می‌شوند در جاگارتا، اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است و از این‌رو برای به دست آوردن آن‌ها، در جایی که تعداد آن‌ها زیاد باشد، سفر لازم است. شمارگان محدود و انتشار محلی در اندونزی، مجمع‌الجزایر گسترده ۶۰۰۰ کیلومتری، از اختصاصات صنعت نشر این کشور است.
۵. نشریه‌ها، به ویژه در دوره‌های غلیان شور و احساسات «رفز ماسی» (= اصلاحات)، می‌آیند و می‌روند و دنبال کردن شماره‌های کسری آن‌ها یکی از دشوارترین و زمان‌برترین وظایف فراهم‌آوری منابع اندونزیایی است.
۶. اهمیت تماس‌ها برای فراهم‌آوردن انتشارات دولتی. نخستین چالش، آگاه‌شدن از انتشار آثار دولتی و سپس تأمین‌کننده مطمئنی است با انگیزه لازم.

۱. Oliver Mann، کتابدار کتابخانه ملی استرالیا، مسئول شاخه اندونزی.

2. Tempo

3. De Tik

۴. در اندونزی این سه پدیده را به اختصار KKN می‌نامند.

5. D & R

6. buku cepat